

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

بررسی تحول مفهوم امور حسبه در فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد ارسطا

نگارش:

سید محمد ذوالفقاری

شهریور ۱۳۹۱



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

بررسی تحول مفهوم امور حسبه در فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد ارسطا

نگارش:

سید محمد ذوالفقاری

شهریور ۱۳۹۱

تقدیم به:

شهید سید مجتبی سبط النبی و تمامی شهدایی
که برای سربلندی وطن و اسلام عزیز جان
خویش را فدای اعتقادشان کردند.

تقدیر و تشکر:

در نهایت فروتنی و حق‌شناس از تمامی عزیزانی که مرا در انجام این تحقیق یاری کرده‌اند تشکر می‌کنم. به ویژه از استاد راهنما جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر میر احمدی و استاد مشاور جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر ارسطو کمال تشکر و قدردانی را دارم. از جناب آقای حاج سید محمد جواد سبط النبی و همسر محترم‌شان مرحومه علویه حکیم که در طول سال‌های تحصیل از حمایت‌شان به‌رمند بوده‌ام سپاس‌گذارم.

همسر مهربان و پسر گلم سید محمد مهدی، به سرانجام رسیدن این تحقیق با صبوری، همکاری و تشویق شما حاصل شد، صمیمانه از شما نیز تشکر می‌کنم.

چکیده:

نوشته‌ی حاضر در پی بررسی چرایی مفهوم امور حسبیه و سیر تحول این مفهوم در فقه سیاسی شیعه است. بدین منظور نگارنده در فصلی پس از تبیین مفاهیمی همچون فقه، فقه سیاسی و امور حسبیه (از منظر فقهای شیعی و سنی) با تقسیم بندی ادوار فقه شیعه به بررسی آرا و نظرات برخی از فقهای برجسته و تاثیرگذار در هر دوره پرداخته است. از آنجا که در تالیفات اکثر فقها بابت به عنوان حسبه وجود ندارد، نویسنده تلاش کرده از طریق یافتن مصادیق امور حسبیه و گفتار پراکنده‌ی فقها در مورد حسبه، در حد بضاعت خویش، نگاه فقیه مد نظر در خصوص مفهوم مورد بحث را نشان دهد.

«امور حسبیه» به امور فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود که نظام و اداره امور زندگی فرد و جامعه و سامان اجتماعی از هر نظر به آن بستگی دارد، و اگر این امور تعطیل شود، زندگی فردی و در مراتب بعدی حیات اجتماعی فلج شده و رفته رفته رو به اضمحلال و نابودی می‌نهد. امور حسبیه بر سه عنصر اصلی عدم رضایت شارع مقدس به ترک و اهمال در آن امور؛ نداشتن متولی قهری و عدم توقف بر ترافع قضائی و رجوع به دادگاه امور استوار است. امور حسبیه نقش مهمی در تنظیم مناسبات فردی و اجتماعی اجتماع مسلمانان ایفاء می‌کند به گونه‌ای که حوزه‌های فردی خرد، همچون احوال شخصیه و اجتماعی کلان، مثل حکومت و تدبیر امور گسترده‌ی اجتماعی را می‌تواند در برگیرد. نظریه حسبه در سیر تحول خود از حالت بساطت و اجمال به وضعیت پیچیدگی و تفصیل تغییر وضعیت داده است، به این صورت که در عصر آل بویه و ایلخانیان در مرحله نظری بوده است و در عصر صفویه در سطح عملی و حوزه سیاست داخلی نقش آفرینی کرده است. در دوره قاجاریه امور حسبیه علاوه بر سطح داخلی در حوزه سیاست خارجی نیز موثر بوده است. و در عصر پهلوی و جمهوری اسلامی در حوزه اصل حکومت ایفای نقش کرده است.

این پژوهش در پی پاسخ به این سوال اصلی است که: مفهوم امور حسبیه در فقه سیاسی شیعه دچار چه تحولاتی شده است؟ این تحول در چه زمینه‌ها و اموری بوده و چه تأثیری بر فقه سیاسی شیعه گذاشته است؟

واژگان کلیدی: فقه، فقه سیاسی، امور حسبیه، ولایت، ولایت فقیه، ولایت عدول

مومنان.

۱	مقدمه:
۱	۱- بیان مسئله:
۱	۲- ضرورت بحث
۱	۳- سابقه تحقیق:
۲	۴- اهداف تحقیق:
۲	۵- سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق:
۳	۶- چارچوب نظری تحقیق:
۳	۷- فرضیه‌های تحقیق:
۳	۸- پیش فرض‌های تحقیق:
۴	۹- روش پژوهش:
۴	۱۰- روش تجزیه تحلیل اطلاعات:
۴	فصل اول: تاریخچه و مفاهیم
۵	گفتار اول: تاریخچه
۱۱	گفتار دوم: مفاهیم
۱۱	فقه:
۱۲	فقه سیاسی:
۱۵	حسبه:
۱۷	مفهوم اصطلاحی امور حسبه:
۱۷	حسبه نزد علما و فقهای اهل سنت:
۲۰	مفهوم حسبه نزد فقهای شیعه:
۲۴	ماهیت تصدی و قلمرو امور حسبه
۳۵	فصل دوم: بررسی تحول مفهوم امور حسبه در عصر آل بویه:
۳۵	مقدمه:
۳۹	شیخ مفید (ره):
۴۶	سید مرتضی علم الهدی (ره):
۴۹	ابی صلاح حلبی:
۵۴	شیخ طوسی:
۶۰	جمع بندی:
۶۲	فصل سوم: بررسی تحول در مفهوم امور حسبه در عصر ایلخانیان
۷۵	مقدمه:
۶۲	محقق حلی:
۶۶	شهید اول:
۷۰	فاضل مقداد (ره):
۷۷	جمع بندی:
۷۹	فصل چهارم: بررسی تحول در مفهوم امور حسبه در عصر صفویه
۷۹	مقدمه:
۸۱	محقق کرکی:
۹۱	شیخ زین الدین بن نور الدین علی بن احمد شهید ثانی:
۹۵	شیخ بهایی:

۱۱۱	جمع‌بندی:
۱۰۳	فصل پنجم: بررسی تحول مفهوم امور حسبيه در عصر قاجاریه
۱۰۵	مرحوم وحید بهبهانی
۱۱۴	کاشف الغطاء:
۱۲۷	صاحب جواهر
۱۳۷	شیخ انصاری
۱۶۳	جمع‌بندی:
۱۵۲	فصل ششم: تحول مفهوم امور حسبيه در دوره معاصر، عصر پهلوی و جمهوری اسلامی
۱۵۲	مقدمه:
۱۵۳	آیت الله خوئی
۱۶۵	امام خمینی(ره)
۱۷۶	خاتمه: نتیجه گیری

کتابنامه:

مقدمه:

موضوع: بررسی تحول مفهوم امور حسبيه در فقه سیاسی شیعه

۱- بیان مسئله:

بحث از امور حسبيه همواره در اندیشه‌ی فقهی علمای اسلام از شیعه و سنی مطرح بوده است؛ و هر کدام از فقها با توجه به دیدگاه خود به این مساله پرداخته‌اند. «امور حسبيه» به امور اجتماعی اطلاق می‌شود، که نظام و اداره امور زندگی آحاد جامعه و سامان اجتماعی از هر نظر به آنها بستگی دارد، و اگر این امور تعطیل بماند، زندگی اجتماعی فلج شده رفته رفته رو به اضمحلال و نابودی می‌نهد؛ و شارع مقدس راضی به اهمال و زمین ماندن این امور نیست. امور حسبيه بر سه عنصر اصلی عدم رضایت شارع مقدس به ترک و اهمال در آن امور؛ نداشتن متولی قهری و عدم توقف بر ترافع قضائی و رجوع به دادگاه امور استوار است. امور حسبيه در طیف گسترده‌ای از مسائل فردی و اجتماعی اثرگذار است. این طیف از سویی امور فردی و شخصی را شامل شده و از سوی دیگر با توجه به نظرات مختلف فقها شامل امور کلان سیاسی- اجتماعی همچون نوع و حوزه مسئولیت‌های اجتماعی آحاد افراد جامعه، محدوده اختیارات حاکمان و حتی اصل حکومت اسلامی می‌شود.

با توجه به ادوار مختلف فقه درمی‌یابیم امور حسبيه در هر دوره‌ای متناسب با وضعیت سیاسی- اجتماعی و قبض و بسط ید عالمان و فقهای شیعه در مفهوم و مصادیق توسعه و ضیق داشته است. در طول تاریخ امور حسبيه آن‌قدر اهمیت یافته است که برخی از فقها مانند امام خمینی(ره) آن را مبنای تشکیل حکومت اسلامی و نظام سیاسی قرار داده‌اند.

۲- ضرورت بحث

گذشته از اهمیت علمی و نظری موضوع، که می‌تواند گامی موثر در تبیین دقیق‌تر مساله با نگاهی فقهی سیاسی باشد. از آنجا که شماری از فقها امور حسبه را مبنای تشکیل حکومت می‌دانند، تحقیق در این زمینه می‌تواند به تقویت پایه‌های نظری نظام جمهوری اسلامی کمک کند. هم‌چنین در اهمیت موضوع می‌توان امکان استفاده از تئوری امور حسبيه را در بسیاری از فعالیت‌های قوای سه گانه در نظر داشت.

۳- سابقه تحقیق:

در طول ادوار و تاریخ پر فراز و نشیب فقه سیاسی مسئله‌ی امور حسبیه مورد توجه بوده است و هنگام بحث از ابواب قضا، امر به معروف و نهی از منکر، بیع، نکاح، محجورین (صغار، ایتام، اراامل (بیوه زنان) و... مطرح می‌شده است؛ و باب مستقلی در کتب فقهی نداشته. امور حسبیه تا قبل شهید اول در آثار فقهای شیعه به عنوان یک موضوع مستقل ذکر نشده است؛ اول بار شهید اول در کتاب **الدروس** فصلی به عنوان امور حسبه مطرح کرد. پس از او فقها به تبعیت از ایشان باب امور حسبیه را البته با فراز و نشیب‌هایی به کتب فقهی اضافه کردند و زوایای مسئله را مورد تحقیق و دقت فقهی قرار داده‌اند. فقهای همچون سید بحر العلوم، صاحب جواهر و سید عبد الاعلی سبزواری رحمهم الله در آثار فاخر خود به این مسئله پرداخته‌اند.

از آنجا که امور حسبیه معمولاً به مناسبت‌هایی در ضمن ابواب مختلف فقه طرح می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت کل مباحث و جوانب آن به عنوان بابی مستقل در کتب فقهی در دسترس باشد، این کار تا به امروز هم انجام نشده است. کتاب‌هایی مثل حسبه یک نهاد حکومتی، نوشته آقای سیف‌الله صرامی و حسبه یا نظارت بر سلامت اجرای قانون نوشته آقای قدرت الله مشایخی نیز رویکردی فقهی - حقوقی دارند؛ و با رویکرد فقه سیاسی نگاشته نشده‌اند. در مورد امور حسبیه مقالاتی از برخی اساتید موجود است که البته بیشتر با رویکرد حسبه و تاثیر آن در جمهوری اسلامی یا نهایتاً بحث ولایت فقیه نگاشته شده است و به تحول آن از عصر رسول خدا(ص) تا به امروز با نگاه سیاسی پرداخته نشده است. در نهایت پس از فحص و جستجو، در این زمینه تحقیق مستقل و تک‌نگاره‌ای با رویکرد سیاسی که به سیر تحول این مفهوم در آراء فقهای بزرگ شیعه پرداخته باشد، دست نیافتیم.

۴- اهداف تحقیق:

هدف علمی: تبیین مفهوم امور حسبیه و جایگاه آن در فقه سیاسی - تقویت پایه‌های نظری نظام اسلامی

هدف کاربردی: نتیجه تحقیق مذکور می‌تواند در اختیار مسئولان و دست‌اندرکاران قوای سه گانه قرار گیرد، چرا که بسیاری از فعالیت‌های قوای سه گانه می‌تواند تحت عنوان عام امور حسبیه قرار گیرد.

۵- سؤالات (صلی و فرعی) تحقیق:

سؤال اصلی: مفهوم امور حسبيه در فقه سیاسی شیعه دچار چه تحولاتی شده است؟
این تحول در چه زمینه‌ها و اموری بوده و چه تأثیری بر فقه سیاسی شیعه گذاشته است؟
سؤالات فرعی:

۱. تاریخچه و پیشینه‌ی امور حسبيه چگونه بوده است؟
۲. مفهوم امور حسبيه چیست؟
۳. تحول مفهوم امور حسبيه در عصر آل بویه چگونه بوده است؟
۴. تحول مفهوم امور حسبيه در عصر ایلخانان چگونه بوده است؟
۵. تحول مفهوم امور حسبيه در عصر صفویه چگونه بوده است؟
۶. تحول مفهوم امور حسبيه در عصر قاجاریه چگونه بوده است؟
۷. تحول مفهوم امور حسبيه در دوره معاصر عصر پهلوی و عصر جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟

۶- چارچوب نظری تحقیق:

فقه سیاسی شیعه متشکل از مفاهیم گوناگونی است که در کنار یکدیگر یک منظومه گسترده و تاثیرگذار را شکل داده‌اند. یکی از این مفاهیم مفهوم امور حسبيه است که تحت تاثیر تحولات اجتماعی، تاریخی و سیاسی و استنباطات علما تحول یافته و به تبع بر مفاهیم دیگر و در مجموع بر منظومه‌ی فقه سیاسی اثرگذار بوده است.

۷- فرضیه‌های تحقیق:

امور حسبيه در تعامل با شرایط سیاسی - اجتماعی مختلف دچار تحول شده و امکانات لازم برای تقویت و توانمندسازی فقه سیاسی شیعه را فراهم ساخته است. نظریه حسبه در عصر آل بویه و ایلخانان در مرحله نظری بوده است و در عصر صفویه در سطح عملی و حوزه سیاست داخلی نقش آفرینی کرده است. در دوره قاجاریه امور حسبيه علاوه بر سطح داخلی در حوزه سیاست خارجی نیز موثر بوده است. و در عصر پهلوی و جمهوری اسلامی در حوزه اصل حکومت ایفای نقش کرده است.

۸- پیش فرض‌های تحقیق:

امور حسبيه یکی از مفاهیم مهم فقه سیاسی است که پیوند تنگاتنگی با سیاست و مسائل سیاسی دارد.

شرایط سیاسی - اجتماعی تأثیر زیادی در تحول مفاهیم سیاسی اجتماعی دارد. به بیانی مسئله مقتضیات زمان و مکان و تأثیر این عنصر در بحث تحول مفهوم امور حسبیه کاملاً مشهود و بسیار موثر بوده است.

۹ - روش پژوهش:

روش تحلیلی بر اساس ضوابط پذیرفته شده در علم اصول فقه، و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱۰ - روش تجزیه تحلیل اطلاعات:

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی - تحلیلی، است به این صورت که گزارشی از نظریه‌ها و دیدگاه‌های فقها ارائه شده و پس از دسته بندی و توصیف دیدگاه فقیه مورد نظر تحلیلی از چگونگی تحول مفهوم امور حسبیه از منظر ایشان ارائه می‌گردد. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات با توجه به ماهیت فقهی بحث از علم اصول فقه استفاده می‌شود.

فصل اول: تاریخچه و مفاهیم

فصل اول: تاریخچه و مفاهیم

گفتار اول: تاریخچه

گرچه نام حسبه در عصر نخستین اسلام زبان زد و رایج نبود؛ اما به مفهوم واقعی آن در سیره رسول الله (ص) و امام علی (ع) و روش حاکمان اسلامی عمل می شد؛ از آنجا که مفهوم حسبه را اینگونه تعریف کردیم که امور حسبیه، اموری اجتماعی هستند که شارع راضی به اهمال در آنها نیست و حتما باید مسؤولی عهده دار تصدی این امور باشد. در نوشته های روایی، تاریخی و فقهی، نمونه هایی به چشم می خورد که گویای سیر تاریخی مسأله حسبه است. در تاریخچه و کیفیت پیدایش امور حسبیه و پس از آن اداره یا مرکزی جهت تصدی این امور و نقطه آغازین این مرکز، پیشینه های مختلفی را ذکر کرده اند که ما در اینجا به بیان نظریات مختلف در این زمینه می پردازیم:

گروه اول بر این باورند که اساس حسبیه از تشکیلات روم قدیم گرفته شده است. اینان می گویند در بین سازمان های دولتی روم، نهادی به نام «کنسورت»^۱ بود؛ این نهاد از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و عمده وظایف آن نظارت بر بازارها و اخلاق عمومی بوده است. کنسور یا رئیس این نهاد چنان قدرت و نفوذی داشت که می توانست به جرم مخالفت با قانون یا عرف حتی برخی از اعضای مجلس اعیان یا بزرگان کشور را از کار برکنار کند. مسلمانان پس از فتح مناطقی از روم که دارای این نهاد بود، آن را در تشکیلات حکومتی خود به وجود آوردند. هرچند که دگرگونی هایی درخور تعالیم اسلام نیز به آن دادند.^۲ در نقد این نظر باید گفت اساسا حسبه مربوط به امور اجتماعی است، و در هر جامعه و جمعیتی برای ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج و امثال آن نیازی ضروری است. جامعه مسلمین و یا هر جامعه دیگر نیز برای قوام خویش به اموری این چنینی نیازمند است. لذا ما بر این باوریم که مسلمانان پیش از مواجهه با رومیان نیز حسبه را داشته و اجرا می کردند؛ هرچند ساده و فاقد تشکیلاتی خاص بوده، و اینکه بگوییم بعد از مواجهه با رومیان آن را یاد گرفته و قبل از آن فاقد امور حسبیه بوده اند چندان معقول نیست. علاوه بر این شواهدی از سیره رسول خدا بر اجرای حسبه در زمان خود حضرت وجود دارد که

^۱ - Consort

^۲ - سیف الله صرامی، حسبه یک نهاد حکومتی، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷، ص

نافی این دیدگاه است، که در ادامه خواهد آمد.

گروه دوم معتقدند پیشینه امور حسبیه و اجرای آن به زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله می رسد و اصل امر به معروف و نهی از منکر که ریشه اسلامی دارد، مبنای آن است.^۳ این گروه در سیره حضرت نیز تامل نموده با استناد به روایات، نمونه هایی را ذکر می کنند. از جمله اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر جمعیتی که احتکار کردند گذشت و به آنها دستور داد که اجناس را از انبارهایی که در آن احتکار کرده بودند، بیرون آورند و در بازار و در معرض دید عموم خریداران قرار دهند.^۴

احادیثی که این گروه نقل می کنند بیشتر به نظارت حضرت بر بازار نظر دارد؛ شاید به این دلیل که قائلان این نظریه امور حسبیه را بیشتر در ارتباط با مسائل نظارت بر بازار مورد بررسی قرار داده اند. در ادامه از سیره حضرت امیر علیه السلام نیز نمونه هایی را در کیفیت نظارت حضرت بر بازاریان می آورند. من جمله: ثقه الاسلام کلینی از جابر از امام باقر(ع) نقل می کند «علی علیه السلام هر بامداد تازیانه بدوش همه بازارهای کوفه را یک یک بازرسی می کرد، تازیانه اش دو سر داشت و سبیه نام داشت، بر سر هر بازاری می ایستاد و فریاد می زد ای گروه تجار خیرجوئی از خدا را پیش دارید و باسانی عمل تبرک جوئید و بخیریداران نزدیک شوید و خود را به برد باری بیارائید و از دروغ و سوگند کنار باشید و از ستم بر کنار شوید و ستمدیده ها را انصاف کنید و گرد ربا مگردید پیمانمانه و ترازو را تمام بدهید و مال مردم را نکاهید و در زمین تباهی نکنید.»^۵

البته نگارنده معتقد است، با عنایت به تعریف فقهی ارائه شده از امور حسبیه، به دو

^۳ - حسینعلی منتظری نجف آبادی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه، ۴ جلد، چاپ دوم، نشر تفکر، قم - ایران، ۱۴۰۹ ه ق ج ۲، ص: ۲۵۹

^۴ - «ان رسول الله (ص) مرَّ بالمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظَرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا» شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری؛ ج ۱۷ ص ۴۳۰.

^۵ - «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ عِنْدَكُمْ يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ عَ الْقَوَا مَا بِأَيْدِيهِمْ وَارْعَوْا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَاسْمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ ع قَدُمُوا لِاسْتِخَارَةِ وَتَبَرُّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَاقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَتَزَيَّنُوا بِالْجِلْمِ وَتَنَاهَوْا عَنِ الْبَيْمِينِ وَجَانِبُوا الْكُذِبِ وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَانصَفُوا الْمُظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ فَيَطُوفُ ع فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ» محمد بن يعقوب بن اسحاق کلینی ثقه الاسلام کلینی، الکافی، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵ هجری شمسی جلد ۵، ص ۱۵۵. و محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری؛ ج ۱۷ ص ۴۳

دلیل باید دامنه این امور را گسترده‌تر از نظارت بر اقتصاد و بازار بدانیم. اول اینکه این امر به اعتراف قریب به اتفاق فقهای شیعه و سنی بر اصل امر به معروف و نهی از منکر بنا نهاده شده است. دوم اینکه بنا به تعریف، امور حسبیه سلسله اموری هستند که شارع مقدس راضی به اهمال آنها نیست و شاید جزء کوچک این امور، بازار و نظارت آن باشد، ابعاد گسترده زندگی انسان در بعد فردی و اجتماعی می‌تواند تحت این امور کلی بیاید؛ مانند بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و خصوصاً ابعاد حکومتی زندگی انسانها.^۶ چنانکه حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در خصوص دامنه امور حسبیه می‌فرماید: برکسی پوشیده نیست که اموری نظیر حفظ نظام اسلامی، پاسداری از مرزهای میهن اسلامی، حفظ جوانان مسلمان از گمراهی و انحراف، جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی، از روشنترین مصادیق امور حسبیه به شمار می‌آید و از طرفی، تنها تشکیل یک حکومت اسلامی می‌تواند ما را به این اهداف مقدس نایل سازد.^۷

گروه سوم بر این باورند که ادامه سیره پیامبر به واسطه خلفای راشدین در اداره بازار، نقطه آغازین نهادی به نام حسبه در حکومت‌های اسلامی گشت. اینان می‌گویند که در زمان پیغمبر و ابوبکر، امور مالی دولت منحصر به سه درآمد بوده است:

- ۱- زکات که از دولتمردان می‌گرفتند و به فقیران می‌دادند.
 - ۲- غنیمت‌هایی که در جنگ به دست می‌آمد و میان سپاهیان تقسیم می‌شد.
 - ۳- جزیه که از یهود و نصارای عربستان دریافت می‌داشتند.
- پیغمبر یا خلیفه او این درآمدها را می‌گرفتند و بطور مساوی میان مرد و زن، کوچک و بزرگ و بنده و آزاد تقسیم می‌کردند و اگر چیزی هم از خارج مدینه می‌رسید در مسجد به دست پیغمبر یا خلیفه او بدون قید و شرط تقسیم می‌شد و چیزی از آن باقی نمی‌ماند.
- جرجی زیدان، نویسنده مسیحی، این نظر را در بین نظریات دیگر آورده و شاید ابعاد بیشتری را نسبت به دیدگاه قبلی مدنظر قرار داده است؛ او علاوه بر نظارت بر بازار، امور حسبیه را شامل رسیدگی به وضعیت زکات، غنیمت و جزیه نیز می‌داند.^۸

^۶ - نیره قوی، دامنه امور حسبه از دیدگاه امام علی(ع)، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۰، ویژه همایش امام علی(ع)، صفحه ۴۸.

^۷ - «لا یخفی: أن حفظ النظام، و سدّ ثغور المسلمین، و حفظ شبانهم من الانحراف عن الإسلام، و منع التبلیغ المضادّ للإسلام و نحوها، من أوضح الحسبیّات، و لا یمكن الوصول إليها إلاّ بتشکیل حکومت عادلة إسلامیة.» سید روح الله موسوی خمینی، کتاب البیع (للإمام الخمينی)، پیشین، ج ۲، ص: ۶۶۵

^۸ - جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، مترجم علی جواهر کلام، چاپ یازدهم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۴، ص ۸۷.

گروه چهارم معتقدند که عنوان حسیبه و ریاست آن، نخستین بار در عصر امویان گزارش شده است. طبق این گزارش در شهر «واسط» تحت حکومت امویان، برای اینکه دولت از غش و تدلیس و حيله و احتکار بعضی از فروشندگان جلوگیری کند، مؤسسه ای برای مراقبت از آنان تاسیس گردانید تا جلو کارهای مضرشان را بگیرد؛ محتسب در راس این مؤسسه بوده است.

این گروه نقطه شروع این مؤسسه را در عصر عمر می دانند. جرجی زیدان در بیان نظر این گروه می گوید: «همین که عمر ممالک روم و ایران را گشود و کشور اسلام توسعه یافت، عربها و رومیان و ایرانیان با هم مخلوط شدند، در آمد اسلام زیاد شد و ناچار برای ثبت و ضبط آن و تعیین دخل و خرج، محتاج به دفتر شدند. عمر برای تنظیم امور دفتری تعیین کرد که در آن واردات ثبت می شد، میزان حقوق مستحقان در آن قید می گشت و بقیه درآمد نیز نوشته می شد که در موقع لزوم از روی آن حساب، موجودی را به مصرف معین می رساندند. به روایتی در سال ۲۰ یا ۱۵ هجری، این دفاتر تاسیس گشت و این همان است که ایرانیان و رومیان آن را دیوان می خواندند. عمر از طرف خود ماموری جهت دیوان تعیین کرد و همینکه درآمد رو به فزونی گذارد، وی خزینه‌ای به نام «بیت المال» را در مدینه دایر کرد و بدین گونه از زمان او بیت المال تاسیس شد.»^۹

گروه پنجم که عصر خلفای عباسی را نقطه آغاز می دانند. به نظر این گروه، در زمان عباسیان به دلیل آمیزش اعراب با سایر ملل و ورود فرهنگ و آداب و سنن کشورهای دیگر و ترجمه کتب مختلف و پیدایش تفکراتی غیر از تفکرات موجود در بلاد اسلامی، و از طرف دیگر، به دلیل تمایل خلفای عباسی به خوشگذرانی و آسایش و برای رفاه حال خودشان اشخاصی را معین کردند که از طرف آنان به کارها رسیدگی کنند. بدین گونه منصب وزارت حسیبه، یا شهرداری و غیره پدید آمد و تدریجاً مؤسسات ساده سابق دولت اسلام دارای شعبات و توابعی شد و در هریک از دولتهای اسلامی مطابق مقتضات محلی سازمانهای مختلفی ایجاد شد؛ همچنانکه تشکیلات دولتی بغداد با قرطبه و قرطبه با قاهره بسیار اختلاف داشت. جرجی زیدان در ادامه راجع به ایجاد شعبه امور حسیبه آورده است: «عباسیان برای هر نوع درآمد، خزانه داری جداگانه ای تشکیل دادند؛ به این قسم که مرکزی برای جمع آوری و نگاهداری زکات و مرکزی دیگر... مثلاً مؤسسه قضایی شعبه ای از امور

^۹ - همان

حسبی و مظالم و نظمیة و امثال آنرا به دنبال داشت.»^{۱۰}

در راستای همین نظر دکتر زحیلی ضمن اشاره به جایگاه حسبه می نویسد:

حسبه، به ساختار و آداب اجتماعی مربوط می شود و همچنین به جنایتهایی که باید به سرعت رسیدگی شوند. فلسفه آن، ایجاد جامعه ای قانونمند و ارزش مدار است که ریشه در وظیفه و فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد و قرآن آن را وظیفه مسلمانان شمرده است. نخستین کسی که ساختار حسبه را پایه گذارد، عمر بن خطاب، خلیفه دوم بود ولیکن نام حسبه در عهد خلفای عباسی، بویژه مهدی عباسی بر سر زبانها افتاد.^{۱۱}

اشکالی که در پذیرش این پیشینه برای امور حسبی به وجود می آید، این است که پیرامون عملکرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خلفای قبل از خلفای عباسی در ارتباط با امور حسبیه نقل های زیادی آمده است که با پذیرش این پیشینه باید از تمام آنها صرف نظر کنیم؛ این چشم پوشی با توجه به اسناد تاریخی ممکن نیست.

به اعتقاد نگارنده، ریشه حسبه به اجتماع انسانی باز می گردد؛ به این معنا که در هر اجتماعی برای تداوم زندگی جمعی به نظم و تصدی اموری ضروری که لازمه زندگی جمعی است و همچنین سازوکاری جهت ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج و امثال آن نیاز است. بدون شک جامعه مسلمین و یا هر جامعه دیگری نیز برای قوام خویش به اموری این چنینی نیازمند است. لذا ما بر این باوریم که بنیان امور حسبیه به اجتماعات بشری باز می گردد. هرچند در بستر اسلامی و بر اساس آموزه های فقه اسلامی نظمی و مراوداتی خاص مورد نظر است که سازوکار و تشکیلات حسبیه بر اساس آن قواعد عمل میکردند. با جمع بندی نظرات گوناگون می توان بدین نتیجه رسید که هرچه جامعه اسلامی گسترده تر و پیچیده تر می شده به تبع آن حسبه، امور حسبیه و نهاد متکفل آن نیز متکامل تر شده است؛ بر این اساس در جامعه اسلامی فراخور جامعه ی کوچک و ساده ی زمان پیامبر امور حسبیه ای ساده وجود داشته که خود پیامبر متکفل آن بود، و با گسترش اسلام و پیچیده شدن جامعه ی بسیط عصر پیامبر این وظیفه بر عهد افراد و در گذر زمان به شکل نهادی حکومتی درآمد.

^{۱۰} - همان

^{۱۱} - (فهی تتعلق بالنظام والآداب والجنایات احیانا لما یحتاج الی سرعة فی الفصل فیہ وذلك من اجل حمایة و تکوین المجتمع الفاضل و اساسها قوله تعالی (ولیکن منکم امة یدعون الی الخیر ویأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...)) و اول من وضع نظام الحسبه هو عمر بن الخطاب ولیکن عرفت التسمیة فی عهد الخلیفة العباس المهدی. وهبه زحیلی، فقه الاسلام وادلتها، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۶، ص ۷۶۴.

گفتار دوم: مفاهیم

در این فصل پیش از ورود به عرصه‌ی تحول مفهوم امور حسبیه در ادوار مختلف فقه سیاسی شیعه، به منظور تبیین مفاهیم اصلی در پایان نامه به بیان مفهوم سه واژه فقه، فقه سیاسی، امور حسبیه و تاریخچه امور حسبیه می‌پردازیم.

فقه:

فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن، فهم و آگاهی، علم و معرفت و هوش است.^{۱۲} همچنین گفته شده فقه به معنای فهم امور دقیق است؛ در قرآن آمده است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ». سوره اسراء (۴۴) از این رو در مورد امور بدیهی و معمولی به کار نمی‌رود، مثلاً گفته نمی‌شود: فقهت ان السماء فوقنا. ابو اسحاق مروزی^{۱۳} این تعریف را برگزیده و قرافی نیز در تأیید آن گفته است: «این تعریف بهتر است و به همین جهت لفظ فقه را به علوم نظری اختصاص داده‌اند. بنابراین، لفظ فقه باید در موردی به کار رود که در مظان خفا باشد، از این رو مناسب نیست گفته شود: فقهت أن الاثنین اکثر من الواحد. بر همین اساس به کسی که فقط عالم به احکام ضروری شرعی باشد فقیه نمی‌گویند.»^{۱۴}

^{۱۲} - خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، مصحح دکتر مهدی محزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، ۸ جلدی، چاپ دوم، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۰ه.ق، جلد ۳، ص ۳۷۰.

احمد بن محمد مقرئ فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، منشورات دارالرفی قم، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۹.

محمد بن مکرم مقرئ ابن منظور، لسان العرب، مصحح احمد فارس، ۱۵ جلدی، چاپ سوم، دارالکفر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ه.ق، جلد ۱۳، ص ۵۲۲.

احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین، معجم مقائیس اللغه، مصحح عبدالسلام محمدهارون، ۶ جلدی، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۴۲.

^{۱۳} - این تعریف را صلاح الدین زرکشی در المثنوی فی القواعد از ابو اسحاق مروزی نقل کرده سپس گفته است: «این برخلاف نظر لغت‌شناسان است که فقه را به معنای مطلق فهم می‌دانند که فهم امور آشکار و هم فهم امور دقیق را دربر می‌گیرد. قرآن درباره کافران می‌گوید: «فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَكْفُرُونَ بِحَدِيثِ نَسَاءٍ» (۷۸)

^{۱۴} - جمعی از مؤلفان، مکتب فقهی اهل بیت (ع)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، بی تا، ج ۳۲، ص ۴، اصل این مقاله به عنوان مقدمه جلد اول دایره‌المعارف فقه اسلامی نگاشته شده و به وسیله یکی از شاگردان استاد (آیت الله شاهرودی) به فارسی برگردان شده است.

فقه در اصطلاح و در تعبیری مشهور و همچنین در این نوشتار عبارت است از: «انه هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة».^{۱۵} علم به احکام فرعی شرعی از روی ادله تفصیلی، و منظور از ادله تفصیلی در تعریف فقه، منابع فقه در مکتب فقهی شیعه یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل است.

مقصود از احکام فرعی، احکام مربوط به افعال و ترک مکلفان است، چه این احکام، تکلیفی مانند وجوب و حرمت باشد و چه احکام وضعی مانند ملکیت و طهارت، و چه احکام مربوط به فرد و رفتارهای شخصی یا خانوادگی او، نیز احکام مربوط به جامعه و دولت و رفتارهای عمومی. از آنجا که همین افعال مکلفان موضوع علم فقه است، برخی فقه را دانشی نص محور دانسته اند که موضوع آن افعال مکلفان است.^{۱۶}

با قید «فرعی» دانش‌هایی مانند اصول اعتقادات و اصول فقه از تعریف خارج می‌شود. با قید ادله تفصیلی، فقه تقلیدی یعنی علم مقلد به فتوای مرجع تقلید، از تعریف اصطلاحی فقه خارج می‌شود. بر این اساس، علم فقه اختصاص به علم اجتهادی دارد همچنان که عنوان فقیه اختصاص به عالم مجتهد دارد نه عالم مقلد. البته این نکته قابل ذکر است که فقهای گذشته تعریفی گسترده از فقه داشتند و آن را فهم جمیع احکام دین، اعم از ایمان و عقیده و عمل می‌دانستند.^{۱۷} اما امروزه مقصود از علم فقه همان است که در تعریف آمد و دایره آن نسبت به گذشته ضیق‌تر شده است.

فقه سیاسی:

فقه سیاسی شاخه‌ای از اندیشه سیاسی اسلام یا فقه عمومی است که با تاکید بر روش اجتهاد در عرصه اجتماع و سیاست نحوه ارتباط فرد با دیگر شهروندان، پیوند شهروندان با دولت، ارتباط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها، مسائل نوپدید، گشایش مشکلات اجتماعی و ارائه الگوهای مطلوب را بررسی می‌کند.^{۱۸} و همچنین تکالیف شرعی زندگی سیاسی فرد مسلمان و آئین‌کشورداری را بر اساس منابع و ادله شرعی بیان می‌کند،

^{۱۵} - حسن بن زین‌الدین عاملی، معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین، چاپ اول، موسسه الفقه للطباعة و النشر، قم، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۱، ص ۹۰.

^{۱۶} - کمال اکبری، سیر تطور فقه سیاسی شیعه چاپ اول، طرح آینده، ۱۳۸۷، ص ۴.

^{۱۷} - داود فیروزی، مقاله درج شده در: منصور میر احمدی، درس گفتارهایی در فقه سیاسی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

^{۱۸} - سید کاظم سید باقری، فقه سیاسی شیعه، سازو کار تحول، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، قم، ۱۳۸۸، ص ۲۵.